

«سينماى حسينى»

يا «حسين سينمايى»؟؟؟

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين

«رستاخیز» چه می کند، نمایش چهره معصومین یا نمایش چهره‌ای دیگر از معصومین؟

سینما، وسیله‌ای برای اشاعه فرهنگ است، رسانه‌ای که نمایش و آموزش می‌دهد، به جهت‌گیری‌ها سمت و سومی بخشد و اندیشه را «می‌سازد». اما به راستی، استفاده از سینما برای ترویج «حق‌گویی» «حق‌جویی» و «حق‌طلبی» تا چه حد نتیجه بخش بوده است؟ این نتیجه، چه قدر پایداری داشته است؟ آیا حقیقتاً «آن‌چه را هدف تصور می‌شود» محقق می‌سازد؟ ساخته‌ها را، سابقه‌ها را بررسی کنید، اثرات آن را بررسی کنید، آیا به حق «سینما»، بستر حق‌جویی، حق‌گویی و حق‌طلبی است؟ «چه بسیارند عبرت‌ها و چه کم‌اند عبرت‌پذیران».

آیا اشاعه «حق» متوقف برگسترده شدن آن در بستر سینما است؟ آیا قریب به ۱۴ قرن، قیام سیدالشهداء علیه السلام، راکد بود و نورش چنان درخشنده نبود تا هدایت‌گر باشد، تا اینکه کسی پیدا شد که حرفی دیگر داشت؟؟؟ و حالا «حق» از رکود خارج شده و به دنیا صادر خواهد شد و «هدایت» را به رخ بسیاری خواهد کشید؟ اصلاً چه چیزی قرار است در «سینما» تحت عنوان «هدایت» اشاعه یابد؟ کدام یک قرار است «حقیقت و واقعیت» تلقی شود، قیام حسین یا حکومت‌طلبی او؟ این کدامین «جهاد در راه حق» است که برپایی‌اش مستلزم «محاربه با حق» بود؟

یعنی عوامل رستاخیز، نمی‌دانند بیننده، آنچه را در این فیلم می‌بیند، «حقیقت و واقعیت» تلقی می‌کند؟ «هدف رستاخیز، ارائه و اشاعه تصویر حقیقی و واقعی قیام نیست، هدف تحریف قیام است» که اگر «رستاخیز» و تدوین‌گرانش در پی نیکویی روان بودند، آن‌چنان حماسه عظیم یگانه‌ای را این‌چنین زمینی جلوه نمی‌دادند و برداشت‌های شخصی و خوشامدهای نفس خود را در قالب عاشورا به خورد مخاطب نمی‌دادند تا شایسته «تقدیر» و «لقب فیلم‌سازان عاشورایی» باشند.

این همه، پرده‌برداری از چهره‌ها، نه، بلکه بهره‌برداری از چهره‌ها است.

می‌گویند اعتراض نکنید مبادا تاریخ تشیع از سینما بی‌بهره بماند!!! فیلم ساختن برای دین، سینمای دینی نمی‌سازد، «دین سینمایی» می‌سازد و بسیار فرق است میان این دو... چنان‌چه فیلم ساختن برای «حسین»، سینما و جشنواره حسینی نساخت بلکه «حسین جشنواره‌ای» «حسین سینمایی» ساخت. اصلاً از اول باید همین کار را می‌کردند، سینما حسینی نمی‌شود، پس حسین باید به سینما برده شود، این تنها راه است که او نیز در برابر سینما کوتاه بیاید و قوانین آن را بپذیرد، این تنها راه است که «حسین هم سینمایی» شود. و این است راز

این «خلوص» و «ایمان».

می‌گویند ۱۰ سال زمان صرف شده، انصاف نیست برخورد صورت بگیرد، خوب بود فیلم دخترپسری می‌ساخت؟ راستی، چه خوب شد، نظربازی نامحرم (همان دخترپسری) را زیرپرچم امام حسین علیه السلام به تصویر کشیدند «مایه افتخار...» «فیلم فاخر»، هدف آشکار شد؟ یا باز هم بگویم؟ نه من دیگر نمی‌گویم، شما پاسخ دهید این ندای «سیاه» را "گران‌ترین فیلم جشنواره، منطقی نیست که از اکران عمومی محروم شود"

- از یاد نبریم سخنان «مایکل برانت» را که هدف قرار دادن نهضت حسینی و پوچ نمودن باور شیعیان نسبت به این قیام عظیم را تنها راه حل نابود ساختن شیعیان اعلام کرد.

آیا این عرصه چنان مهم نیست که «اساس‌نامه» داشته باشد؟ جایی که حتی رنگ‌ها، اصالت نیک و بد دارند، چه جای توهّم سرایی درباره کیفیت وقوع وقایع؟ وقتی لباس شمر باید سیاه باشد و لباس امام باید مخالف آن «به رنگ سفید» نمایش داده شود، کجا مجال تخیل هست؟ چنین جرأتی از کجا آمده؟ چقدر به بی‌اهمیت‌ها پرداخته شده تا چنین مهمی، این‌گونه در میان ما، سینه چاکان عزیز فاطمه سلام الله علیهما، مغفول واقع شود؟ آیا جزئی تفاوتی و بیان نکردن محدوده‌ها، دلیل دیگری دارد؟

آخر کجا یک معمار در کار یک پزشک دخالت می‌کند؟ کجا یک پزشک در کار یک معمار حقّ دخالت دارد؟ معماری و طبابت مهم‌تر است یا سعادت و شقاوت جاودانه؟ یگانگانی را که تمام «ملکوتی» هستند در قالب انسان‌های خاکی نمایش می‌دهند و کار خود را موجّه «جلوه می‌دهند» به بهانه این که «آنان معصوم نبودند». ولی چه کسی «عصمت آل الله» را تعیین می‌کند؟ یک پزشک؟ شاید هم یک معمار؟ البته توهّم و تصوّر آقایان ارجحیت دارد، شاید هم علمی که «از کجا و ناکجا» سخت کوشانه، کسب کرده‌اند!!! این جسارت از کجا آمد که مشتی غریبه با این «عناوین»، اظهار نظر کنند؟ و پیش بیایند و فیلم بسازند؟ و مطرح شوند و جایزه بگیرند؟

بماند که نمایش چهره حضرات «معصومین» تنها یک بند از این قصیده است، ولی حساسیت برانگیز است و چنان چه آشکار شود چنین «مهمّ مسلّمی» در ستاخیزانکار شده است، فاتحه سایر بندهای این قصیده خوانده می‌شود «اگر خدا بخواهد»

عصمت علی بن الحسین الاکبر صلوات الله علیهما

- اشبه الناس خواندن علی اکبر علیه السلام در آفرینش، رفتار و گفتار به رسول الله صلی الله علیه و آله، قرائت آیه «انّ الله اصطفی...» و نیز «ذریّه بعضها من بعض...» درباره این وجود نورانی، هر کدام به تنهایی برای به اثبات رساندن مقام رفیع و عظیم «عصمت» فرزند گرامی سید الشهداء علیه السلام، کافیه است.

(امالی شیخ صدوق: ص ۱۶۲، روضة الواعظین سیّد فتّال: ص ۱۶۱، لهوف سیّد ابن طاووس: ص ۱۱۲، مقاتل الطالبین ابوالفرج: ص ۷۶. الفتوح ابن اعثم: ج ۵ ص ۲۰۷، مقتل الحسین علیه السّلام خوارزمی: ج ۲ ص ۳۰، تسلیة المطالب محمّد بن ابی طالب: ج ۲ ص ۳۱۰، شرح الشّافیه ابن امیرالحاج: ص ۳۶۵).

- حضرت علی اکبر علیه السّلام «صدّیق» است یعنی صاحب «مقام عصمت» است، همچنین در شمار «اهل البیت الذّین اذهب الله عنهم الرّجس و طهّهم تطهیراً» است و این دو نیز هر کدام برای اثبات «مقام شریف و ویژه عصمت» برای ایشان کافیست. (السّلام عليك أيها الصّدّيق ... و جعلك من أهل البيت الذّین أذهب الله عنهم الرّجس و طهّهم تطهیراً مصباح الرّائس سیّد علی ابن طاووس: ص ۲۳۵، المزار شهید اوّل: ص ۱۴۵ زیارة اوّل یوم من رجب)

- حضرت علی اکبر علیه السّلام، اولی بالله و برسوله هستند که به معنای غایت قرابت و اهلّیت ایشان نسبت به خدا و پیامبر خدا است. همچنین «امین الله» هستند که دلالتی بسیار محکم بر مقام ولایة اللّهی (تکوینی و تشریعی) است و این دو نیز هریک کافیست برای اثبات مقصود. (أشهد أنّك أولى بالله و برسوله، و أنّك ابن رسوله، و حجّته و دینه و ابن حجّته و أمینه اقبال الأعمال: ج ۳ ص ۷۳. رک: المزار الکبیر: ص ۴۸۷ ب ۸ زیارة الشّهداء رضوان الله علیهم فی یوم عاشوراء)

- با توجّه به متن صریح چندین زیارت صادره از معصومین علیهم الصّلاة و السّلام، حضرت علی اکبر علیه السّلام مقام شامخ «ولیّ الله» را داراست چنانچه اباعبدالله علیه السّلام «ولیّ الله» هستند و این مقامی رفیع و عظیم برای این وجود ملکوتی و دلالتی بسیار محکم بر مقام ولایة اللّهی (تکوینی و تشریعی) ایشان است. (السّلام عليك يا ولیّ الله و ابن ولیه مصباح المتجّد: ج ۲ ص ۷۲۲ دعاء الموقف لعلی بن الحسین علیه السّلام، المزار الکبیر ابن المشهدی: ص ۴۲۳ ب ۳ زیارة صفوان، و ص ۴۶۴ زیارة یوم عرفة، اقبال الأعمال: ج ۲ ص ۶۵ فصل ۱۸ زیارة یوم عرفة و ج ۳ ص ۳۴۱ فصل ۵۳ زیارة نصف من شعبان، المزار شهید اوّل: ص ۱۲۸ الفصل الرّابع و ص ۱۷۵ زیارة یوم عرفة، البلد الأمین: ص ۲۹۰ ذوالحجّة، المصباح کفعمی (جنّة الأمان الواقیة): ص ۵۰۳ زیارة لیلة عرفة و یومها و زیارة لیلة الأضحی و یومه)

عصمت عبّاس بن علی صلوات الله علیهما

- مقام شامخ «صدّیق» درخور شأن و عظمت عبّاس علیه السّلام است و این مقام صاحب «عصمت» است. (السّلام عليك أيها الولی الصّالح النّاصح الصّدّيق المزار الکبیر ابن المشهدی: ص ۴۳۳ ب ۳، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۲۶۱ ب ۱۸)

- حضرت عبّاس علیه السّلام در شمار «اهل البیت» چنانچه حضرت علی اکبر و قاسم هستند و این نیز

مقام عصمت است (مراجعه کنید به دلیل اول عصمت قاسم بن الحسن صلوات الله علیهما).

- حضرت عباس علیه السلام در شمار «نجباء» و «سابقون» هستند چنان چه حضرت علی اکبر، قاسم و شیرخوار امام حسین صلوات الله علیهم در این شمار هستند و این مقام والای عصمت است. (مراجعه کنید به دلیل دوم عصمت قاسم بن الحسن صلوات الله علیهما)

عصمت قاسم بن الحسن صلوات الله علیهما

- حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام، در شمار «اهل بیت» جای دارند چنان چه حضرت علی اکبر، عباس بن امیرالمؤمنین و شماری دیگر از شهدای سادات علیهم صلوات الله در این جرگه هستند و این مقام عصمت است (در زیارت نیمه شعبان، پس از سلام به شماری از شهدای از سادات که علی بن الحسین (علی اکبر) علیهما السلام، عباس بن علی علیهما السلام و قاسم بن الحسن علیهما السلام نیز در شمار ایشان هستند، آمده است: السلام علیکم اهل بیت المصطفی اقبال الأعمال: ج ۳ ص ۳۴۴ فصل ۵۳، همچنین در زیارت ناحیه مقدسه پس از سلام به قاسم بن الحسن علیهما السلام و چند تن دیگر از سادات شهدا آمده است: فهنيئاً لکم یا اهل بیت الرحمة... یا ساداتی یا اهل البیت... مصباح الزائر سیّد بن طاووس: ص ۲۳۹).

- حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام، در شمار «نجباء» و «سابقون» هستند چنان چه علی بن الحسین (علی اکبر) علیهما السلام، شیرخواره امام حسین علیهما السلام و عباس بن علی علیهما السلام در این جرگه هستند و هریک از این ها برای اثبات مقام عصمت ایشان کافیست. (المزار شهید اول: ص ۱۵۰: پس از سلام به شماری از شهدای از سادات که علی بن الحسین (علی اکبر) علیهما السلام، شیرخواره امام حسین علیهما السلام، عباس بن علی علیهما السلام و قاسم بن الحسن علیهما السلام نیز در شمار ایشان هستند، آمده است: ... أشهد أنّکم النّجباء و سادة الشّهداء فی الدّنيا و الآخرة... و أنتم السّابقون و المجاهدون. اقبال الأعمال: ج ۳ ص ۳۴۴ فصل ۵۳: در زیارت نیمه شعبان، پس از سلام به برخی از شهدای سادات که علی بن الحسین (علی اکبر) علیهما السلام، عباس بن علی علیهما السلام و قاسم بن الحسن علیهما السلام نیز در شمار ایشان هستند، آمده است: انتم السّابقون و المجاهدون)

عصمت شهدای از اهل بیت صلوات الله علیهم

بنابر فرمایش مولانا امیرالمؤمنین و امام رضا صلوات الله علیهما، شهدای از بنی هاشم (سادات) در کربلا، هیچ یک در زیر آسمان و بر روی زمین، «مثل و مانند» نداشتند، ندارند و نخواهند داشت. (یا ابن شیبہ إنّ كنت باکیاً لشیء فابک للّحسین بن علی بن أبی طالب علیهم السلام فإنّه ذبح کما یذبح الکبش و قتل معه من أهل

بیته ثمانية عشر رجلاً ما لهم في الأرض شبیهون امالی شیخ صدوق: ص ۱۳۰ المجلس السابع العشرون، عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۲۹۹ ب ۲۸ ح ۵۸، اقبال الأعمال: ج ۳ ص ۲۹ فصل ۲. و أنت یا حسین ... سیقتل معك سبعة عشر من أهل بیتك تحت أديم السماء ما لهم شبیهون الدّر النّظیم: ص ۳۷۸

دلایل عصمت یاران امام حسین علیهم السلام

- تمامی شهدای کربلا، آنان که در کباب مولانا اباعبدالله الحسین علیه السلام، به فیض عظمای «شهادت» دست یافتند، «اصفیاء الله» هستند یعنی حائز مقام ویژه ای از «یگانگان برگزیده» هستند این مقام معصوم است. (السلام علیکم یا اصفیاء الله و أودّاه مصباح المتجّد: ج ۲ ص ۷۲۲ دعاء الموقف ...، المزار الكبير ابن المشهدی: ص ۴۶۴ زیارة ابی عبدالله علیه السلام فی یوم عرفه، اقبال الاعمال: ج ۲ ص ۶۵ فصل ۱۸ الزیارة المختصة بالحسین علیه السلام یوم عرفة، المزار شهید اول: ص ۱۲۸ الفصل الرابع و ص ۱۷۶ و منها زیارة یوم عرفة، البلد الأمسن: ص ۲۹۰ ذوالحجّة، المصباح کفعمی: ص ۵۰۳ زیارة لیلة عرفة و یومها و زیارة لیلة الأضحی و یومه للحسین علیه السلام)
- در زیارت شب قدر و عیدین و نیز زیارت هر روز و شب، شهدای شریف و عظیم الشان را «صدیقون» می خوانیم و چنان چه گذشت دلالت بر عصمت ایشان است (السلام علیکم ایها الصّدیقون المقنعة: ص ۴۷۰ ب ۱۵، المزار الكبير ابن المشهدی: ص ۴۱۶ الزیارة الاولى للحسین علیه السلام فی لیلة القدر و العیدین، المزار شهید اول: ص ۱۶۹ و منها زیارة القدر و العیدین، المزار الكبير: ص ۵۱۸ ب ۱۱ زیارة اخرى له علیه السلام مختصرة یزار بها فی کل یوم و فی کل شهر)
- مقام «خیرة الله» و «خاصة الله» نیز زیبنده وجود بی مثال شهدای کربلا صلوات الله علیهم است که جز خودشان، هیچ کس بر جایگاه ایشان ننشینند. (أنتم خاصة الله اختصکم الله لأبی عبد الله کامل الزیارات: ص ۲۴۲. أنتم خیرة الله اختارکم الله لأبی عبد الله علیه السلام و أنتم خاصته اختصکم الله اقبال الأعمال: ج ۳ ص ۳۴۶ فصل ۵۳)
- درباره مقام شامخ «خاصة الله» می توانید به بصائر الدرجات: ج ۱ ص ۴۴۶ ب ۱۴ ح ۱ و کافی: ج ۱ ص ۲۷۱ - ۲۷۲ باب فيه ذکر الأرواح التي فی الأئمة علیهم السلام ح ۱ مراجعه کنید که «خاصة الله» را مؤید به «روح القدس» اعلام می کند و این همان مقام ویژه عصمت است.
- شهدای کربلا صلوات الله علیهم «سابقون» هستند (أنتم السابقون کامل الزیارات: ص ۲۰۴، الکافی: ج ۴ ص ۵۷۴ باب زیارة قبر ابی عبدالله الحسین بن علی علیهما السلام) و امام صادق علیه السلام، «سابقون» را صاحبان عصمت و ویژه اعلام می دارند (رجوع کنید به بصائر الدرجات: ج ۱ ص ۴۴۶ ب ۱۴ ح ۱ و کافی: ج ۱

ص ۲۷۱-۲۷۲ باب فيه ذكر الأرواح التي في الأئمة عليهم السلام (ح ۱)

عظمت و یگانگی فرد فرد شهدای کربلا

درباره مقام شریف این بزرگواران که نه واژه بلکه تمام ذهن و تصوّر بشر از عظمت جایگاهشان «تهی» است همین بس که امام معصوم آنان را مخاطب ساخته و می فرماید: «یالیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً». و کجا در این اندک، مجال ذکر ادله است؟ این تنها احتجاج و اتمام حجت است باشد تا خداوند نور هدایت را بر قلب های تک تک ما بتاباند

و این مقامی است که نمی توان از بیرون، عظمت و چیستی آن را جست: امام صادق علیه السلام فرمودند: امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام... وقتی به محلّ شهادت شهدای کربلاء رسیدند... در حالی که روی قاطر بودند و پای مبارک از رکاب بیرون آورده بودند، آن مکان را طواف کرده و در حین طواف می فرمودند: مناخ رکاب و مصارع شهداء لا یسبقهم من کان قبلهم ولا یلحقهم من کان بعدهم یعنی محلّ خواباندن مرکب هایی و محلّ شهادت شهدایی که پیشینیان بر آنها پیشی نگرفتند و آیندگان نیز هرگز به ایشان نخواهند پیوست. (التّهذیب: ج ۶ ص ۷۲ ب ۲۲ ح ۷، الخرائج والمجرائح: ج ۱ ص ۱۸۳ ب ۲، الوسائل: ج ۱۴ ص ۵۱۶ ب ۶۸ ح ۱۹۷۲۴).

سخن آخر

گسترش و پذیرش حق هرگز متوقّف بر فیلم و سینما نبوده و نیست... «حق» باقیست و «باطل» ناپایدار و نابودشدنی، «معرفت» نیز نور است که پروردگار یکتا بر قلب مخلوقات مستولی می سازد، قرآن کریم بارها به بیان اشاعه حق و پایداری آن توسط پروردگار یگانه پرداخته است، این وعده باری تعالی است، محقّق و تحقّق یافتنی، بدون تکیه بر بازیگرانی که «نقش بازی» می کنند، روی صحنه حاضر و پشت صحنه غایب اند، بدون تکیه بر کوبش ضرب ها، زرق و برق ها، رنگ و وارنگ ها.

بیدار باشید که «روز رستاخیز»، «خون» پاک و «عزیز» حسین را دست مایه دنیا طلبی گروهی قرار داد که نزد پدرش، دنیایشان «مردار» و خواهان آن «سگان» هستند.

قصد قربت داشتن برای کسانی که حسین را کشتند کافی بود: «کَلَّ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بَدْمَهُ»

امروز، حسین عزیز تنهاست، دریا بید ندای «هل من ناصر» او را «شیعیان حسین».

منابع

ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر (لابن المشهدی)، ۱ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه

قم - قم، چاپ: اول، ١٤١٩ ق.

ابن طاووس، علی بن موسی، الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة (ط - الحديثة)، ٣ جلد، دفتر تبلیغات اسلامی - قم، چاپ: اول، ١٣٧٦ ش.

شهید اول، محمد بن مکی، المزار في كيفية زیارات النبی والأئمة عليهم السلام، (للشهید الأول)، ١ جلد، مدرسه امام مهدی علیه السلام - قم، چاپ: اول، ١٤١٠ ق.

طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ١ جلد، مؤسسة فقه الشيعة - بيروت، چاپ: اول، ١٤١١ ق.

مفید، محمد بن محمد، المقنعة، ١ جلد، کنگره جهانی هزارة شیخ مفید - رحمة الله عليه - قم، چاپ: اول، ١٤١٣ ق.

ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ١ جلد، دار المرتضوية - نجف اشرف، چاپ: اول، ١٣٥٦ ش.

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ١ جلد، مكتبة آية الله المرعشي. النجفی - ايران؛ قم، چاپ: دوم، ١٤٠٤ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافي (ط - الإسلامية)، ٨ جلد، دارالکتب الإسلامية - تهران، چاپ چهارم، ١٤٠٧ ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق)، ١ جلد، کتابچی - تهران، چاپ: ششم، ١٣٧٦ ش.

ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ٢ جلد، نشر جهان - تهران، چاپ: اول، ١٣٧٨ ق.

شامی، یوسف بن حاتم، الدر النظیم في مناقب الأئمة الالهامیم، ١ جلد، جامعه مدرسين - قم، چاپ: اول، ١٤٢٠ ق.

شهید اول، محمد بن مکی، المزار في كيفية زیارات النبی والأئمة عليهم السلام، (للشهید الأول)، ١ جلد، مدرسه امام مهدی علیه السلام - قم، چاپ: اول، ١٤١٠ ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)، ١١١ جلد، دار إحياء التراث العربي - بيروت، چاپ: دوم، ١٤٠٣ ق.

قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج والجرائع، ٣ جلد، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف - قم، چاپ: اول، ١٤٠٩ ق.

سید علی بن موسی بن جعفر اللّهوف علی قتلی الطفوف، ابن طاووس (م ٦٧٧)، انتشارات جهان - طهران.

علی بن الحسین بن محمد مقاتل الطالبین، أبو الفرج الإصفهانی (م ٣٥٦)، مطبعة الحيدريّة - النجف ١٣٨٥ هـ ق.

أبو المؤيد الموفق بن أحمد مقتل الحسين عليه السلام، الخوارزمي (م ٥٦٨) تحقيق و تعليق الشيخ محمد السماوي، مكتبة المفيد - قم.

أحمد بن أعثم الفتوح: ابن أعثم الكوفي (م ٣١٤) دائرة المعارف العثمانية حيدرآباد الهند، ط ١٣٩١ ق.

أبو جعفر محمد بن أمير الحاج الحسيني شرح شافية أبي فراس: ابن أمير الحاج (م ق ١٢) تحقيق صفاء الدين البصري، مؤسسة الطباعة والتشروزة الثقافة والإرشاد الإسلامي - طهران، ط ١٤٦١ هـ ق.

محمد بن أبي طالب، تسليمة المجالس وزينة المجالس الحسيني الموسوي الحائري (م ق ١٠)، تحقيق فارس حسن كريم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ط ١ (١٤١٨ هـ ق)

